

مصدق؛ خورشیدی غروب



علیرضا خاتمان رو فومنی

وی تبعات سنگین سیاسی نیز در پی داشت، امری که خود به آن کاملاً آگاه بود. بر همین اساس اقتصاد دولت دکتر مصدق کاملاً در سیاست درهم پیچید و بالعکس، به طوری که انفکاک این دو امر از یکدیگر در تحلیل عملکرد سیاسی و اقتصادی دولت ملی بسیار سخت به نظر می‌رسد. همواره رسم بر این بوده که کشورهای بارویکر دامپریالیستی در سیاست خارجی، با شعار اصلاح و آبادانی کشورهای جهان سوم عملیات اقتصادی و طرح‌های عمرانی گوناگونی را در این جوامع تعریف می‌کردند و از طریق این پایگاه‌های اقتصادی به دخالت و ریشه‌دوانی در امور سیاسی و اجرایی آن کشورها مبادرت می‌ورزیدند. رابطه انگلستان و ایران نیز همین‌گونه بوده است؛ به طوری که دولت‌مردان انگلیسی در انتخاب شخص اول حاکمیت دخالت مستقیم داشتند. دکتر مصدق با طرح ملی کردن صنعت نفت می‌خواست به دو هدف نایل آید: اول قطع حضور بیگانگان و دخالت آنان در امور سیاسی و معاشی ملت و دیگر، طراحی اقتصادی بدون هزینه کردن سرمایه ملی ایرانیان یعنی نفت در امور روزمره و هزینه‌های جاری. پیش از دولت مصدق مداخلات برای افزایش سهم ۱۶ درصدی دولت از عواید فروش نفت کشور با طرف انگلیسی بی‌نتیجه مانده بود و هیچ چشم‌انداز روشنی نیز در برابر دولت‌مردان و سیاستمداران در این زمینه قرار نداشت. بر همین اساس با تمام کمبودهایی که دولت ایران در اداره امور صنعت عریض و طویل نفت داشت با این حال چاره‌ای جز ملی کردن این صنعت در پیش روی خود نمی‌دید. به گفته دکتر انور خامه‌ای: «ملی کردن صنعت نفت یک جنبش خودانگیخته بود که بر اثر لجاجت و سماجت شرکت نفت انگلیس برای تحمیل قرارداد الحاقی پدید آمد.» (۲۸) همچنین به شهادت مهندس عزت‌الله سبحانی «اصل ملی شدن صنعت نفت به دلیل مقاومت شرکت نفت ایران و

به یادگار گذاشت. از این رو است که امروز اصل طلایی در اندیشه شریعی را مردم گرای می‌دانند و این سخن بر زبان فرزند راستین مصدق، مهندس عزت‌الله سبحانی جاری است که «مادر ارزش‌ها این است که مردم به حساب بیایند.»

صدای رسای مصدق آنچنان شیوا بود که به انقلاب مردم ایران پیوند خورد. دوازده سال پس از وفات عارفانه‌اش، این مردم بودند که انتقام پیرمرد را از کودتاچیان و پاسداران استبداد و حاملان تاریکی گرفتند. آنجا که تز «موازنه منفی» او به «نه شرقی، نه غربی» تعبیر شد و آرزوهای سبزش بر زبان ملت جاری گشت؛ استقلال، آزادی. بی‌جهت نیست که طالبانی، مصدق را حلقه واسطه‌ای برای جنبش‌های پیش و پس از خود در جهت استقلال و آزادی و حاکمیت ملت می‌دانست. این نوشتار که بیشتر ناظر بر جهت‌گیری‌های دکتر مصدق، پیشوای حرکت ملی ایرانیان در آوردگاه زمانه‌سازی و دولت‌مردی وی است، به کارنامه دولت ملی ایران در زمینه‌های اقتصاد، سیاست داخلی و خارجی و همچنین رویکرد آن‌ها به مذهب و دیانت خواهد پرداخت.

مصدق و اقتصاد ملی

دولت دکتر مصدق در زمانه‌ای ظهور کرد که هنگامه ملی کردن صنایع بایه توسط دولت‌های دموکراتیک در کشورهای پیشرفته همچون فرانسه و انگلیس بود. او می‌خواست برای نخستین بار در یکی از کشورهای جهان سوم میانه‌بینی ایران دست به این عمل بزند، عملی که بدون شک برای

دکتر محمد مصدق، انسانی که تنها شخص نبود، بلکه شخصیتی بود که پیرامونش را از وجود خود متأثر ساخت و راه بشر را به راه انبیا پیوند زد

امن پرورده آزادیم، استاد علی است، مرد بی‌بیماری و بی‌ضعف و پرهیز، و پیشوایم مصدق، مرد آزاد، مردی که هفتاد سال برای آزادی نالیده. (۱)

داستان این سطور افسانه پیری تبار ساز است. پیرمردی که سخنگوی مصلحان تاریخ و ندای پرشوق و شمع آزدادی بود. دکتر محمد مصدق، انسانی که تنها شخص نبود، بلکه شخصیتی بود که پیرامونش را از وجود خود متأثر ساخت و راه بشر را به راه انبیا پیوند زد. برای جبهات ایرانی این اندیشه چه زیباست که ژان پل سارتر در زمان تألیف «جنگ شکر در کوبا» به تز «اقتصاد بدون نفت» مصدق نظر داشت و عبدالناصر رهبر ملی کشور مصر بانگ بر آورد که «من شاگرد مکتب ضد استعماری دکتر مصدقم، از مکتب مصدق درس آموختم.»

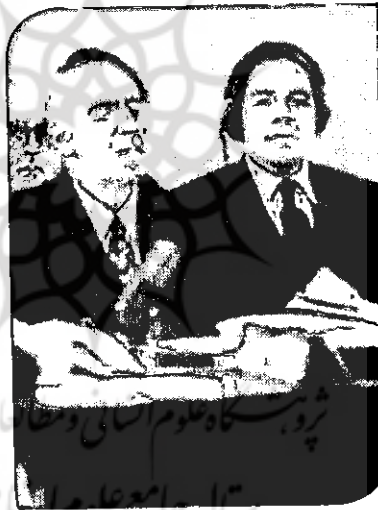
چه دلنشین رخ می‌نماید آن صندلی چوبی قدیمی دادگاه لاهه که امروز پس از چندین دهه به یاد مصدق و بنام آزادی‌خواهی و عدالت طلبی همچنان به یادگار نگه داشته شده تا باز دید کنندگان پنداندن روزی مردی بر این صندلی تکیه کرده که نهضت حق خواهش امپریالیسم دوران را افشا نموده و حق ملت مظلومش را از حلقوم شیر جهان‌خوار باز ستانده است. مردی که هر چه کرد و هر چه گفت برای رضای خدا و اصلاح و اصلاح امور مردمش بود. او همواره در هوای ملت تنفس می‌کرد و سخنش این بود که «تنها ملت است که می‌تواند راجع به سرنوشت خود سرنوشت مملکت اظهار عقیده کند.» (۲) او هیچ امری را بالاتر و ارزشمندتر از آزاده و خواست ملت نمی‌دانست و حکومت‌ها و قوانین را زمانی می‌پذیرفت که در جهت نظر قاطبه مردم باشد؛ «قانون‌ها، مجلس‌ها و دولت‌ها همه به خاطر مردم به وجود آمده‌اند، نه مردم به خاطر آنها... در کشورهای دموکراسی و مشروطه هیچ قانونی بالاتر از آزاده مردم نیست.» (۳) او یک سیاستمدار مردم‌گرا بود و سنت مردم‌گرایی و ملت‌مداری را برای شاگردان و پیروان حقیقیش

اسفند ۱۳۸۸ و فروردین ۱۳۸۹

امیرعلیرضا خاتمان

انگلیس در برابر پذیرش حقوق ملت ایران شکل گرفت. (۵) از اینجا بود که کارشکنی های دولت انگلیس در زمینه فروش نفت کشور توسط دولت ایران به کشورهای خارجی و حمایت دیگر امپریالیست های زمانه یعنی ایالات متحده و جماهیر شوروی از انگلستان و همین طور هزینه های بالای نگهداری از پایگاه ها برای دولتی که اقتصادش سراسر به نفت وابسته بود شرایط جدیدی را در اقتصاد ملی ایجاد کرد؛ بحرانی که تنها با دستاورد توانای مصدق و پشتیبانی نیروی لایزال ملت قابل حل و فصل بود. برای مردان سختکوش، آنها که مردم لحظات بحرانی و سختند، هر چه عرصه تنگ آید سرها برافراشته تر و ایمان هراسناک تر و عقول کارآمدتر عیان می شوند. مصدق در گزارش به نمایندگان مجلس شورای ملی می گوید: برای اصلاح امور خود باید به دو اقدام متوسل شویم؛ تعدیل بودجه و اصلاحات اقتصادی. (۶) حذف خرج های اضافی و کاهش هزینه های دولت اولین قدم پیشروی نهضت ملی در این زمینه بود؛ دکتر مصدق به تبعیت از مقتضای خود علی (ع)، نه از بیت المال حقوقی دریافت کرد و نه سهمی برداشت و نه برای خود و نه برای دفتر کارش بر بودجه دولت هزینه ای تحمیل نکرد. (۷) و حتی بر حقوق کارمندان و آشنیان دربار و شاه نیز نظارت می کرد و هر کس غیر از دولت از دربار نیز حقوق دریافت می داشت حقوق دولتش را قطع می کرد. «اقتصاد بدون نفت» طرحی بود که مصدق برای نجات اقتصاد بیمار و وضع بحرانی موجود پیشنهاد کرد؛ «برنامه اقتصاد بدون نفت» هدفش این بود که پنبه اقتصادی مملکت با تشویق صادرات کالاهای صادراتی کشور (غیر از نفت) به آن حد از ترقی و اعتبار برسد که مملکت متکی و محتاج صدور نفت نباشد. (۸) رویکرد اقتصادی دولت دکتر مصدق را شامل دو مرحله دانسته اند؛ در مرحله اول اگر چه دولت در آمدی از نفت ندارد لیکن به تحصیل آن امیدوار است و در سیاست مالی و اقتصادی خود روی به دست آوردن آن در آینده ای نزدیک حساب می کند. اما در مرحله دوم مصمم است که این درآمد را حتی اگر به دست آید نگیرد و روی آن حساب نکند و اقتصاد کشور را تنها بر اساس درآمدهای غیر نفتی بنا کند. (۹) دکتر مصدق به قصد تأمین هزینه های دولت دست به یکسری اقدامات اقتصادی زد که از مهمترین آنها می توان به انتشار اوراق قرضه ملی اشاره کرد؛ قانون انتشار اوراق قرضه ملی در ۶ مرداد ۱۳۳۰ به تصویب رسید و از دی اجرا گردید. مطابق این قانون دولت می توانست معادل دو میلیارد ریال در چهار نوبت هر بار معادل پانصد میلیون ریال «برگ های وام صد ریالی» بی نام و قابل انتقال با جازمه سالانه شش درصد منتشر کند. (۱۰) این سیاست اقتصادی دولت از سوی

چه دلنشین رخ می نماید آن
صندلی چوبی قدیمی دادگاه
لاسه که امروز پس از چندین
دهه به یاد مصدق و به نام
آزادیخواهی و عدالت طلبی
همچنان به یادگار نگه داشته
شده تا باز دید کنندگان بدانند
روزی مردی بر این صندلی
تکیه کرده که نهضت حق
خواهیش امپریالیسم دوران
را افشا نموده و حق ملت
مظلومش را از حلقوم شیر
جهانخوار باز ستانده است.
مردی که هر چه کرد و هر چه
گفت برای رضای خدا و صلاح
و اصلاح امور مردمش بود



مردم با حمایت های وسیعی رویه رو شد به طوری که دکتر مصدق در این باره چنین می گوید: «مسئله احساسات وطن پرستانه و اعتماد سخاوتمندان از هر گوشه و کنار کشور به طرف دولت و مشخص اینجانب روان و هر فردی با بیان و منطق مخصوص در هر حرفه و پیشه و مقام و مسندی که بود پشتیبانی را با فرستادن نقدینه یا تمهد پرداخت حقوق خود یا تقدیم مال منقول و غیر منقول از دارایی خویش اثبات کرد. (۱۱) مصدق همچنین لوابیع بسیاری را در زمینه حمایت از اقشار آسیب پذیر اقتصادی روانه مجلس کرد؛ از جمله این لوابیع می توان به ۱- افزایش حقوق دیران و آموزگاران ۲- افزایش حقوق کارمندان دون پایه ۳- تصویب بیمه های اجتماعی کارگران ۴- از دیاد سهم کشاورزان و سازمان عمرانی کشور ۵- لغای عوارض مالکانه در روستاها و بیگاری رها یا

و... اشاره نمود. مصدق... در نظر داشت تاریشه قدرت سیاسی خان ها و ملاکان را قطع کند. این کار و این اقدام نیز به واقع رویکردی به طرف زحمتکشان محسوب می شد. (۱۲) بر همین اساس بسیاری از کارشناسان عرصه اقتصاد دولت دکتر مصدق را واجد رویکردی سوسیالیست می دانند. به گفته دکتر فریرز رئیس دانا: ایشان (مصدق) کمتر به تبلیغات و شعار عدالت و رفاه و دولت مسئول برای رشد همگانی و دفاع از زندگی اقشار پایینی و کارگری دست زد؛ اما تقریباً تمامی برنامه های اقتصادی ایشان نشان از سوسیالیسم اقتصاد عدالت جو، خرید و فروش متکی به روش و برنامه دموکراتیک چپ بود. (۱۳) «شادروان مصدق تیلور آرمان سوسیالیست دموکراسی در نهضت ملی استقلال طلبانه و آزادیخواهانه ایران بود. (۱۴) برنامه اقتصاد بدون نفت دکتر مصدق بدون پشتوانه نهادهای حمایتی نمی توانست قامت خود را استوار نگه دارد؛ بر همین اساس وی به تأسیس نهادهایی جهت حمایت و اداره بخش های اقتصادی اقدام کرد؛ «سپانک تخصصی تولیدی و یک بانک تخصصی تجاری و سه بانک تجاری-عمومی، سازمان صنایع ملی، بنگاه توسعه ماشین آلات کشاورزی، سازمان عمران کشاورزی، ملی کردن شیلات و تلفن و پابه گذاری شرکت های سهامی شیلات ایران و تلفن از جمله نهادهایی بودند که در روند توسعه ملی قادر بودند تا از اقتصاد کشور در شرایط عدم اتکاب به نفت، حمایت سازمانی به عمل آورند. (۱۵) از دیگر راه های دولت برای تأمین مخارج عمومی افزایش صادرات و کنترل واردات کالا به کشور بود؛ دکتر مصدق صادرات ایران را به نحو اعجاب انگیزی نسبت به واردات افزایش داد. در نیمه دوم سال ۱۳۳۱ نسبت فزونی صادرات و کاهش واردات به رقم ۶۵ درصد رسید و در مرداد ۱۳۳۲ وزیر اقتصاد، حسن اخوی اعلام داشت که صادرات سال جاری چند برابر سال گذشته است. (۱۶) با توجه به این رشد صادرات رونق جدیدی یافت و با این کار مصدق تنها کسی بود در طول تاریخ ایران که توانست تراز بازرگانی کشور را مثبت کند، چیزی که هرگز در اقتصاد ایران اتفاق نیفتاد. (۱۷) به بیان مهندس عزت الله سحابی «در بخش صادرات غیر نفتی، نه فقط صادرات مستی که خشکیار و فرش بود، بلکه صادرات آهن قراضه، کاغذ باطله، پوست انار و گیاهان دارویی هم آغاز شد. (۱۸) همچنین ایشان در مورد تأسیس صنایع پایین دستی در زمان مصدق این چنین می گویند: «در دوران مصدق، صنایع پایین دستی در ایران راه افتاد... یک مورد آن همین صنایع نفت سوز بود مثل سماور نفتی، اجاق گاز نفتی، خوراکی پز نفتی، بخاری نفتی و... (۱۹) تصور شاید معروف ترین شاخص اقتصادی محسوب شود؛ از این رو که بیشتر

گفته و شنیده می‌شود و شاخص مورد اشاره تأثیر عینی خود را بر زندگی مردم نمایان می‌سازد و مردم عادی نیز احساس آشکاری از کاهش یا افزایش آن گزارش می‌کنند. به گفته د. کتر انور خامه‌ای در دوران حکومت مصدق نرخ تورم افزایش نیافت و در بعضی بخش‌ها هم کاهش پذیرفت. (۲۰) همچنین این خبره امور اقتصادی در بیان علل افزایش نیافتن تورم در دولت مصدق چنین می‌گوید: علت اصلی این امر را باید در تعادل و سلامتی که اقتصاد ایران در دوران حکومت مصدق یافته بود و مظاهر عمده آن رادر موازنه بازرگانی خارجی یعنی افزایش صادرات و کاهش واردات غیر ضروری، موازنه پرداخت‌هایی اتکاپه در آمد نفت، شکستن رکود بازاری و گشایش مجدد کارخانه‌ها، افزایش چشمگیر تولید کشاورزی و غیره دانست. (۲۱) دولت مصدق با همه کاستی‌هایی که در پیش رویش بود، توانست با ذکاوت و خردورزی و همیت‌طور مشاوره با کارشناسان داخلی و خارجی کارنامه خوشی را از خود به جای گذارد. دولتی که با مشکلاتی چون قطع در آمد نفت، عدم همکاری و مساعدت دولت‌های ابر قدرت خارجی، وجود فضای ناامن سیاسی و در نتیجه عدم سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران خارجی در اقتصاد کشور و مسائلی از این دست مواجه بود، با این حال دولت توانست متجاوز از دو سال بدون کمک خارجی و عواید نفت و پرداخت بودجه شرکت ملی نفت که آن‌هم سرمایه‌ریودجه دولت شده بود مملکت را اداره کند و سازمان برنامه هم تمام وظایف خود را انجام دهد و روزی هم که دولت سقوط نمود (۲۸ مرداد ۱۳۳۲) وجهی معادل ۸۰۰ میلیون ریال نقد و در حدود ۱۲۰۰ میلیون ریال مطالبات و جنس موجود داشت. (۲۲) آمار و شاخص‌های اقتصادی در آرشیو وزارت اقتصاد نشان می‌دهد که در هیچ تاریخی اقتصاد و صادرات کشور به رونق و اعتدالی زمان حکومت مصدق نبوده است. (۲۳)

مصدق و سیاست داخلی ملی

در سیاست داخلی، برقراری اصول مشروطیت و آزادی... این هدف من بوده و هست و خواهد بود و تا بتوانم برای رسیدن به آن مجاهدت خواهم کرد. (۲۴) عبارات بالا که متعلق به د. کتر مصدق است خود نشانگر خط قرمز و آرمان این بزرگمرد در سیاست داخلی می‌باشد. آزادی، این گوهر نایاب در کشورهای جهان سومی همچون ایران همواره دغدغه اصلی پیشوای نهضت ملی ایران بوده که از طریق استقرار حاکمیت ملت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت اجتماعی خویش میسر و ممکن می‌شود. مصدق در طول دوران حضورش در عرصه سیاست کشور از والی‌گری تا نمایندگی مجلس و آنگاه نخست‌وزیری، همواره درد آزادی و اجرای قانون را در اعماق وجود خویش احساس

می‌کرده است. در قانونمداری مصدق حرف‌های زیادی گفته و خاطرات بسیاری از اعماق ذهن انسان‌ها خارج شده است، برای نمونه در تقید وی به قانون و دموکراسی آورده‌اند که حتی هنگامی که شعبان بی‌مخ و یک افسر ارتش در خانه‌اش را با تانک کوبیدند با اینکه نخست‌وزیر بود از آنها به داد گستری شکایت کرد. (۲۵) در هنگامه نخست‌وزیری د. کتر مصدق احزاب و مطبوعات در آزادترین وضعیت خود قرار داشتند. با وجود بافت سنتی جامعه آن روز ایران که افرادی بسواد آن‌ها بر باسوادان و دانش‌آموختگان فزونی داشته و همچنین ترکیب جمعیتی کشور به نفع روستائینی در برابر

صدای رسای مصدق آنچنان شیوا بود که به انقلاب مردم ایران پیوند خورد. دوازده سال پس از وفات عارفانه‌اش، این مردم بودند که انتقام پیرمرد را از کودتاچیان و پاسداران استبداد و حاملان تاریکی گرفتند. آنجا که تز «موازنه منفی» او به «نه شرقی، نه غربی» تعبیر شد و آرزوهایی سبزش بر زبان ملت جاری گشت؛ استقلال، آزادی

شهرنشینی بود، نشریات مختلف با افکار گوناگون منتشر می‌شدند به گونه‌ای که تنها محدودیت هفتاد روزنامه مخالف منتشر می‌شد که همگی به د. کتر مصدق حمله می‌کردند، تا جایی که شهربانی کل کشور به تنگ آمده از نخست‌وزیر اجازه برخورد با این نشریات را خواستار می‌شود. د. کتر مصدق در جواب درخواست اداره شهربانی کل کشور اینگونه پاسخ می‌گوید: «شهربانی کل کشور، در جراید ایران آنچه راجع به شخص اینجانب نگاشته می‌شود هر چه در عرصه عمل نوشته باشند و هر کس نوشته باشد به هیچ وجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرار بگیرد. (۲۶) همچنین دولت ملی ایران در زمینه نشر کتب گوناگون، مولفان و منتشران را در ارائه افکارشان آزادی می‌گذاشت به طوری که در مورد میزان آزادی‌ها در زمان دولت سردی رهبر نهضت ملی ایران نوشته‌اند: مصدق نخستین کسی بود که در مدت حکومتش تمام احزاب و روزنامه‌ها آزاد بودند و ابدالیست کتاب‌های مضره وجود داشت. (۲۷) از آنجا که د. کتر مصدق خود را نخست‌وزیر همه ملت ایران می‌دانست و در برابر آنان که پاسدار استبداد بودند مسئولیت سنگین نگاهبانی از آزادی را بر

شانه‌هایش احساس می‌کرد در زمان نخست‌وزیری لایحه‌ای در زمینه آزادی زندانیان سیاسی به مجلس تقدیم می‌کند؛ یک لایحه‌ای هم مایشهاد کردیم برای این زندانیان سیاسی از راه خیرات و مبرات از راه خیر نوع بشر این لایحه را تصویب بکنید که ما اینها را از این زندان بیرون بیاوریم، نمی‌دانید اینها چه حالی در آن زندان دارند... این لایحه را استدعا می‌کنم امروز بگذرانید. (۲۸) انتخابات آزاد همواره از دغدغه‌های فکری مصدق بود، تا آنجا که در زمان پذیرش نخست‌وزیری از آن‌ها به عنوان یکی از دو برنامه اصلی خود نام می‌برد. در زمانی که انتخابات مجلس شورای ملی و شهرسازی‌ها زیر نفوذ دربار و اشراف و غنودال‌ها قرار داشت، پیگیری اصل انتخابات آزاد می‌توانست گام مهمی در جهت استقرار بیسط حاکمیت واقعی ملت تلقی شود. برای تحقق این امر است که د. کتر مصدق پیشنهاد اصلاح قانون انتخابات را مطرح می‌سازد. از نظر د. کتر مصدق اصلاح قانون انتخابات سبب می‌شود که نمایندگان بدانند انتخاباتشان در دوره بعد منوط به رضایت ملت است. اصلاح قانون سبب می‌شود که جراید، وزرای خواندن و دزدان را معرفی کنند و قبل از محاکمه روزنامه‌ها را توقیف و مدیران را زندانی نکنند. (۲۹) و در همان حال از اعماق وجودش فریاد می‌کشد که ما با حکومت دیکتاتوری و هر حکومتی که برخلاف افکار عمومی و آزادی تشکیل شود مخالفیم. (۳۰) و اینچنین است که برای تنها بار مصدق، دموکراسی را در ایران برقرار کرد و مزه شیرین آزادی را به مردم چشاند.

مصدق و سیاست خارجی ملی

اصل مسلم و غیر قابل تغییر در سیاست خارجی برای د. کتر مصدق حفظ استقلال و وابسته نبودن به کشورهای خارجی و قرار نگرفتن در جهت تأمین منافع ابر قدرت‌ها بود. د. کتر مصدق که شرایط زمانه خود را دریافته و نتیجه عینی حضور ابر قدرت‌ها در کشور را لمس کرده بود پیش از هر چیز با دادن امتیازات اقتصادی و سیاسی به دولت‌ها و تراست‌های خارجی مخالفت نمود؛ «من با دادن هر گونه امتیاز از نظر اقتصادی و سیاسی مخالفت می‌کنم، چون تفکیک مسائل سیاسی از اقتصادی مشکل است و این دو سیاست با هم بستگی تام دارد. (۳۱) حضور مصدق در رأس دولت منجر به پایان سیاست موازنه مثبت دولت‌های گذشته ایران شد. اساس رویکرد دولت مصدق در سیاست خارجی تز موازنه منفی بود که می‌توانست تنها راه حفظ استقلال کشور در آن زمان باشد. د. کتر ابراهیم یزدی در معنای سیاست موازنه منفی دولت د. کتر مصدق چنین می‌گوید: «برای ایجاد موازنه بین دو رقیب یا رقبا و قدرت‌های همسایه هیچ امتیازی به هیچ یک از آنها داده نشود، تا هیچ یک از آنها برای مقابله با

رقیب، دولت ایران را برای گرفتن امتیاز مشابه بیعت فشار قرار ندهد، هر امتیازی هم که در زمانی و به هر دلیلی به یک قدرت خارجی داده شده است و یا به زور گرفته اند، لغو گردد. (۳۳) در فضای بعد از جنگ جهانی کشورهای ابر قدرت همچون شوروی و امریکا در تلاش جهت بلوک بندی جدیدی در برابر هم بودند، و دکتر مصدق که تحولات خود را در سوئیس گذرانیده بود، به شدت تحت تأثیر سیاست بی طرفی سوئیس در مناقشات بین المللی قرار گرفته بود. (۳۴) دکتر مصدق بر این باور بود که برای جلوگیری از توهمات کشورهای خارجی از ایران، و کاهش فشار رقابت آنها، دولت ایران می بایستی بدون آن که با هیچ یک متحد شود، در اختلافات آنها وارد نشود، چهره گیری نه با علیه هیچ کدام ننماید و بی طرفی پیشه گیرد. (۳۵) این سیاست، بعد دیگری از سیاست خارجی دکتر مصدق را در بر می گرفت که در واقع قسمت تکمیل کننده سیاست موازنه منفی به شمار می آید. به گفته دکتر ابراهیم یزدی «سیاست خارجی دکتر مصدق، علاوه بر بعد موازنه منفی و اجده بعد بسیار مهم دیگری هم بود که در آن ایام تحت نام بی طرفی مثبت و بعدها جنبش عدم تعهد معروف گردید. (۳۶) همچنین ایشان گفته خود را اینگونه تکمیل می کنند «جوهر موازنه منفی و بی طرفی مثبت دکتر مصدق این بود که هیچ قدرت خارجی قابل اتکانش نیست، ما هر سیاست خارجی قابل استفاده می باشد. (۳۷) نمونه پرورنده شکایت دولت انگلیس از ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد و پیروزی دکتر مصدق و یارانش در اثبات حقانیت ملت ایران از نمونه های اعلا عمل دولت ملی در چارچوب سیاست خارجی توضیح داده شده در بالاست. استقلال ملت و مملکت در کنار آزادی همواره مورد توجه پیشوای نهضت ملی ایران بود که در سیاست خارجی وی نیز متبلور شد.

مصدق و دیانت

تبلیغات ضد مصدقی و روش جریحه دار کردن

دکتر مصدق با طرح ملی کردن صنعت نفت می خواست به دو هدف نایل آید: اول قطع حضور بیگانگان و دخالت آنان در امور سیاسی و معاشی ملت و دیگر، طراحی اقتصادی بدون هزینه کردن سرمایه ملی ایرانیان یعنی نفت در امور روزمره و هزینه های جاری

احساسات دینی ملت و خواص مذهبی از شدت و وسعت کم سابقه ای نسبت به اندیشمندان و سیاستمداران برجسته در طول تاریخ این مرز و بوم برخوردار بوده است. نمایش چهره های ضد دین از مصدق و به طور کلی نهضت مقاومت ملی ایرانیان در پیشگاه ملت و همچنین علمای دینی از بر نامه های اصلی دربار و روحانیون درباری بوده است. همواره نیروهای استبدادی در جامعه دینی ایران برای خدشه دار کردن چهره های اصیل و ملی از این زاویه برخوردار بوده اند. بر همین اساس در این بخش به دیانت و چگونگی دینداری مرحوم دکتر مصدق خواهیم پرداخت. دکتر محمد مصدق با توجه به رشد و بالندگی در محیطی مذهبی و پرورش در دامان مادری دیندار و مومن دل در گرو دیانت داشته: همواره دینداری و سلوک عرفانی جزء دغدغه های جدانشدنی وجود این بزرگ مرد محسوب می شده است. مهندس عبدالعلی بازرگان درباره دینداری مصدق چنین گفته اند: «مصدق نماز می خوانده، خمس و زکات می داده، شفته امام حسین (ع) بوده و... اما هرگز ادعای دینداری نمی کرده. (۳۸) همچنین مصدق در خطابه های تواتر شتارش همواره از آیات الهی یا احادیث معصومین استفاده می کرده اند. ایشان در نطقی که در مجلس شورای ملی ایراد نمود بر مسلمانی خویش انگشت تأکید می نهاد «بنده در

سال گذشته در حضور نمایندگان محترم به کلام الله مجید قسم یاد کردم که به مملکت و ملت خیانت نکنم. آن ساعتی که قسم خوردم مسلمان بودم و حالا هم مسلمان هستم... و در حضور همه آقایان بنده شهادت خود را می گویم، اشهدان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله، اشهدان علیا ولی الله. (۳۹)

مصدق همواره مجاهدت خود را در راه دواصل بتغریف می کرد «هر ایرانی که دیانتمند است و هر کس که شرافتمند است تا بتواند باید روی دواصل از وطن خود دفاع کند و خود را تسلیم هیچ قوه ننماید که یکی از آن دواصل اسلامیت است و دیگری وطن پرستی. (۴۰) این بزرگ مرد تاریخ همه سختی ها را به پشتوانه ایرانی بودن و مسلمان بودن به جان می خرید و مبارزه اش با استبداد داخلی و استعمار خارجی معلول حفاظت از این دواصل می دانست: «من ایرانی و مسلمانم و علیه هر چه ایرانیت و اسلامیت را تهدید کند تازنده هستم مبارزه می نمایم. (۴۱) در دیانت مصدق همین بس که بسیاری از علما با او مراد داشته و او را نه تنها مسلمان بلکه حافظ نوامیس اسلام می دانسته اند. آیت الله سلیم رضی پسندیده در دیانت آن مرحوم چنین نقل می کنند «مرحوم مصدق مقید به اسلام و تشیع و مملکت بود و در وصیت ایشان که یک نسخه نزد این جانب است علاقمندی به اسلام کامل و روشن و آشکار است و برای ایشان به وسیله حضرت آیت الله طالقانی مرحوم دو حجتی یکی بلدی استیجاره گردیده است. (۴۲) همچنین دکتر محسن کدیور، مصدق را مردی متشع معرفی می کند، «مرحوم مصدق کاملا خشمش را بر داخت می کرد و مردی متشع و اهل نماز و برگزاری مراسم عزاداری بود. (۴۳) یار با وفا و همراه مصدق، آیت الله سید رضازنجانی در پاسخ پرسشی مبنی بر دینداری و مسلمانی مصدق با تأکید بر اعتقاد قلبی آن مرحوم چنین گفته اند «آن مرحوم بدون تردید مسلمان معتقدی بود و اسلام را بالاتر از آن می دانست که آن را وسیله پیشبرد مقاصد سیاسی و جلب افکار قرار دهد... کدام یک از نخست وزیران قبلی و بعدی کابینه ایشان مسلمان تر از ایشان بودند. (۴۴) دکتر مصدق در سال ۳۱ با استفاده از اختیارات خود قانونی را تصویب کرد به این شرح که دولت مکلف است از تاریخ تصویب این قانون به فاصله شش ماه ورود تهیه و خرید و مصرف کلیه شوابه های الکلی و همچنین تهیه و خرید لول تریاک و مشتقات آن و نیز کشت خشخاش را از سال ۳۳ به بعد در سراسر کشور ممنوع سازد به استثنای مصارف طبیبی و صنعتی. (۴۵) این عمل دکتر مصدق که در واقع اجرای حکم شرعی و تبدیل آن به قانون بود مورد حمایت چندین از علما قرار گرفت. در اینجا شاید بی مناسبت نباشد به خاطر های که آقای محمد ترکمان در زمینه عشق مصدق به امام حسین (ع) نقل می کنند اشاره نمایم، «نکته ای را نیز از مرحوم آقا



شیخ باقر نهاوندی و اعظمنقل می کنیم. ایشان چند سال قبل برای من نقل می کرد که قبل از نخست وزیری و بعد هانیز در ایام محرم در منزل دکتر مصدق برنامه روضه خوانسی داشتند. ایشان می گفت: مجلس روضه بود و من می رفتم روضه می خواندم. در دوران نخست وزیری دکتر مصدق طبق معمول رفته و باز هم مشغول ذکر مصیبت شدم. خاتم دکتر مصدق آمد و باناراحتی به من گفت: آقای نهاوندی بس است، دیگر ادامه ندهید! گفتم مگر چه شده؟ گفت آقا حالش به هم خورده، گفتم من نمی دانستم که آقای دکتر مصدق هم در اینجا است. در واقع، دکتر مصدق هنگام ذکر مصیبت در اتاق دیگری تنها نشسته و به روضه گوش می داده است. مرحوم آقا شیخ باقر ادامه داد که من رفتم نزد دکتر مصدق و علت به هم خوردن حال ایشان را سوال کردم، دکتر گفت داشته ام به این فکر می کردم که اگر همه ما این جمعیت که پشتیبان نهضت است در کربلا در خدمت حسین بن علی (ع) بودیم چگونه می شد که یاد مصیبت های آن بزرگان مقداری حالم را متاثر و دگرگون کرد. (۲۵) با وجود شواهد و قراین ذکر شده، منطقی نیست که به مصدق ضديت بادي در انسيب دهيم. در واقع نه تنها وی فردی اخلاق گرا و مذهبى مومن بود بلکه، بر اساس شواهد فردی منتشره به احکام شریعت و عاشق خاندان نبوت و امامت نیز بوده است. اما تنها گناه مصدق در دینداری و اخلاق گرایی این بود که وی هرگز از دین باز پیچید و برای رسیدن به مقاصد (هر چند خیر و مثبت) سیاسى نساخت و دینداری خود را برای رضایت منابع قدرت و صاحبان ثروت در بوق و کرنا نکرد و از این نظر نیز از خویش تصویری ارزشمند برجای گذاشت؛ چه در این زمینه خود بیان می دارد که «از مسلمانی و آداب آن برای برحق بودن اسلام، نه برای میل این یا آن پیروی کنیم، و به لوازم آن فقط از ترس خدا و معاد، نه مقتضیات دنیوی و سیاسى عمل نمایم.» (۲۶)

قلم زدن برای مصدق بسیار دلنشین و از سوی طاققت فرساست، چرا که از گوشه ای مردی موضوع تقریر است که هویت ملی و شخصیت ملت را در مقیاس جهانی مطرح کرده و با تمام بی اسبابی به موفقیت های چندنی نایل آمده است. از سوی دیگر ترس از اینکه جان کلام عیان نشود و عظمت مردی که در کالبد زمانه اش نگنجید در پشت نقاب کلمات پنهان بماند، بعد طاققت فرسای نوشتن را می سازد. مصدق، خورشیدی بی غروب در آسمان آبی این سرزمین اهورایی بود. مصدقی که آن قدر فروتن بود که از تجلیل هایی که نسبت به وی می شد خشمگین گشته و فریاد بر می آورد که «به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود هر کسی که بخواهد

در حیات و مواتم به نام من بی بسازد و مجسمه پرزرد. (۲۷) مصدقی که آنقدر مردم دوست بود که وقتی با مردم سخن می گفت انگار از دل و جانانش سخن می گوید. (۲۸)

مصدقی که آنقدر بزرگ بود که تمام کاستی ها را به جان بخرد و همه نارسایی ها را به ضعف های خویش نسبت دهد. به قول جلال آل احمد «او این لیاقت دیگر را داشت که نگلارد شکستش را پای قلت وسایل و کادرناکافی و شرایط نامناسب رهبری بنویسد.» (۲۹) آری مصدق افسانه ای بود در عمق تاریخ افسانه ای این ملت. افسانه مصدق افسانه یک پهلوان ملی است که در یک دوران اهریمنی ظهور کرد، بانیر و مندترین دیو جهان جنگید و برای نخستین بار در طول هزاران سال تاریخ این کشور، دموکراسی را در ایران برقرار کرد و مزه شیرین آزادی را به مردم چشاند. (۳۰) اگر چه زمانه ما با مصدق کبیر تفاوت های چشمگیری داشته، اما عشق وی و منش و روش او همچنان پابرجا و استوار در افق ذهن ما جای دارد. اگر خوب به مصدق بنگریم، می بینیم که همچنان با مردمش سخن می گوید و به فرزندانش زبوتندگان راهش جهت توسعه و آبادانی و عزت ایران را نشان می دهد و جاده مه آلود رشد و ترقی کشور را صاف و خالی از غبار ترسیم می کند. اگر خوب گوش کنیم این مصدق است که همچنان می گوید: ای فرزندانم! آه ایران جز از طریق دموکراسی و غیر از عدالت اجتماعی بهار و به دیگر اصلاح و اداه نمی شود. (۳۱)

پی نوشت ها:

- ۱- سندسازی انقلابی، دکتر علی شریعتی، مجموعه آثار، دفتر تدوین و انتشار مجموعه آثار دکتر شریعتی در دوره ۱۳۵۶، صفحه ۱۱۷.
- ۲- مصدق و حاکمیت ملت، محمد بیه نگار، شرکت انتشارات قلم، ۱۳۸۱، صفحه ۵۲.
- ۳- همان.
- ۴- اقتصاد بدون نفت، دکتر انور خاتمی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹، صفحه ۸۸.
- ۵- مهندس عزت الله سبحانی در مصاحبه با ویژه نامه اعتماد، ش ۱۹۱۵، ۱۳۸۷/۱۲/۲۸، صفحه ۴.
- ۶- مصدق و حاکمیت ملت، محمد بیه نگار، شرکت انتشارات قلم، ۱۳۸۱، صفحه ۳۳.
- ۷- همان، صفحه ۸۲، به نقل از دکتر فریدون سبحانی.
- ۸- همان، صفحه ۹۹، به نقل از عبداللہ راستگو.
- ۹- همان، صفحه ۲۲۳، به نقل از دکتر انور خاتمی.
- ۱۰- همان، صفحه ۲۲۳، به نقل از دکتر انور خاتمی.
- ۱۱- همان، صفحه ۱۹.
- ۱۲- سجدله ایران فردا، ش ۵۳، سال هفتم، اردیبهشت ۱۳۷۸، مقاله مهندس سبحانی با عنوان مصدق، از لیبیرال دموکراسی تا دموکراسی هدایت شده، صفحه ۵۵.

- ۱۳- مصدق و حاکمیت ملت، محمد بیه نگار، شرکت انتشارات قلم، ۱۳۸۱، صفحه ۸۰، به نقل از دکتر فریدون سبحانی.
- ۱۴- همان، صفحه ۸۰.
- ۱۵- سجدله ایران فردا، ش ۵۳، سال هفتم، اردیبهشت ۱۳۷۸، مقاله هدی صابری با عنوان اقتصاد مصدق بلند پیشه ای نیست، صفحه ۷۲.
- ۱۶- مصدق و حاکمیت ملت، دکتر محمد بیه نگار، شرکت انتشارات قلم، ۱۳۸۱، صفحه ۷۶، به نقل از احمد خلیل الله مقدم.
- ۱۷- همان، صفحه ۸۱، به نقل از دکتر حسین رفیعی.
- ۱۸- مهندس عزت الله سبحانی در مصاحبه با ویژه نامه اعتماد، ش ۱۹۱۵، ۱۳۸۷/۱۲/۲۸، صفحه ۵.
- ۱۹- همان.
- ۲۰- مصدق و حاکمیت ملت، محمد بیه نگار، شرکت انتشارات قلم، ۱۳۸۱، صفحه ۱۲۷، به نقل از دکتر انور خاتمی.
- ۲۱- همان، صفحه ۲۳۶.
- ۲۲- همان.
- ۲۳- همان، صفحه ۷۹، به نقل از عبدالله راستگو.
- ۲۴- همان، صفحه ۷۵.
- ۲۵- همان، صفحه ۷۶، به نقل از احمد خلیل الله مقدم.
- ۲۶- همان، صفحه ۳۰۵.
- ۲۷- همان، صفحه ۷۶، به نقل از احمد خلیل الله مقدم.
- ۲۸- همان، صفحه ۲۲۳.
- ۲۹- همان، صفحه ۸۲.
- ۳۰- همان.
- ۳۱- همان، صفحه ۲۵۴، به نقل از دکتر ابراهیم یزدی.
- ۳۲- همان، صفحه ۲۵۱.
- ۳۳- همان، صفحه ۲۵۸.
- ۳۴- همان، صفحه ۲۵۸.
- ۳۵- همان، صفحه ۲۵۱.
- ۳۶- همان، صفحه ۲۶۰.
- ۳۷- همان، صفحه ۲۹۰، به نقل از مهندس عبدالملی بازرگان.
- ۳۸- همان، صفحه ۳۰۷.
- ۳۹- همان، صفحه ۳۰۲.
- ۴۰- همان، صفحه ۲۵۲.
- ۴۱- همان، صفحه ۲۲۶، به نقل از آیت الله سید مرتضی پندیده.
- ۴۲- همان، صفحه ۸۷، به نقل از دکتر محسن گدیور.
- ۴۳- همان، صفحه ۸۱۴، به نقل از آیت الله سید رضا نجاشی.
- ۴۴- سجدله ایران فردا، ش ۵۳، سال هفتم، اردیبهشت ۱۳۷۸، مقاله محمد ترکمان با عنوان دین و عالمان دینی در ابتدای بهار و کردار دکتر مصدق، صفحه ۸۰.
- ۴۵- همان، صفحه ۸۲.
- ۴۶- مصدق و حاکمیت ملت، محمد بیه نگار، شرکت انتشارات قلم، ۱۳۸۱، صفحه ۱۲۵، به نقل از دکتر ابراهیم یزدی.
- ۴۷- همان، صفحه ۳۰۴.
- ۴۸- همان، صفحه ۶۸، به نقل از فریدون خاتمی (خرمشاهی).
- ۴۹- همان، صفحه ۶۸۴، به نقل از جلال آل احمد.
- ۵۰- همان، صفحه ۸۱۷، به نقل از کوروش رحیم.
- ۵۱- سخن های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، ج ۱، دفتر اول انتشارات مصدق، چاپ از کشور، شماره ۷، صفحه ۴۸.